

نگاه انتقادی به کتاب انواع شعر عربی و سیر تطور آن

جمال طالبی قره‌قشلاقی*

عسکر بابازاده اقدم**

چکیده

ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی برای تحول در حوزه آموزش امری اجتناب‌ناپذیر است تا صاحبان آثار علمی را در بهبود و برطرف کردن معایب و کاستی‌های آثارشان یاری کند. بر این اساس، جستار حاضر کتاب *انواع شعر عربی و سیر تطور آن*، تألیف خلیل پروینی و سیدفضل‌الله قادری، را از دو جنبه شکلی و محتوایی نقد و بررسی کرده است تا نقاط ضعف و قوت آن را تبیین کند. از مهم‌ترین مزایای اثر مذکور می‌توان به نبودن طرح و شیوه عمل و ارائه موضوعات پژوهشی اشاره کرد. مهم‌ترین معایب شکلی آن نیز عبارت‌اند از اغلاط پرشمار نگارشی، رعایت نکردن شیوه‌نامه فرهنگستان ادب فارسی، و قلم و صفحه‌آرایی نامطلوب کتاب که لازم است بازبینی و اصلاح شود. از لحاظ محتوایی نیز اشکالات عدیده‌ای از جمله فقدان انسجام در برخی مباحث از منظر روش تحقیق، تسلسل منطقی نداشتن مطالب، بررسی نکردن سیر تطور موضوعات در برخی ادوار تاریخی از جمله دوره اندلس، ضعف در ارجاع‌دهی، و مراجعه نکردن به منابع دست‌اول و استفاده از برخی منابع دست‌دوم در آن به چشم می‌خورد.

کلیدواژه‌ها: نقد، اشکالات ساختاری و محتوایی، تطور ادب عربی، تاریخ ادبیات عربی، گونه‌های شعر عربی.

* استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فرهنگیان تهران (نویسنده مسئول)، j.talebi@cfu.ac.ir

** استادیار زبان و ادبیات عرب، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، babazadeh@quran.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۸

۱. مقدمه

پرداختن به پیشینه علمی و ادبی صاحب اثر در نقد کتاب مرسوم و مفید است که باید اجمالی و بی‌حب و بغض مطرح شود (کتاب نقد و نقد کتاب ۱۳۸۶: ۲۰). بنابراین، در آغاز به معرفی مختصر مؤلفان اثر پرداخته می‌شود. کتاب انواع شعر عربی و سیر تطوّر آن، طرحی نو در معرفی، شرح، تدریس و تحقیق انواع شعر عربی را خلیل پروینی و سیدفضل‌الله قادری تألیف کرده‌اند. خلیل پروینی استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه تربیت مدرس است و در سابقه علمی ایشان بیش از ۱۵۰ مقاله علمی - پژوهشی، هفت کتاب تألیفی، و ده‌ها راه‌نمایی پایان‌نامه و رساله به چشم می‌خورد (<http://www.modares.ac.ir/uploads/FaResume.parvini.pdf>). سیدفضل‌الله میرقادری نیز استاد زبان و ادبیات عرب دانشگاه شیراز است و در سابقه علمی وی نیز حدود یکصد مقاله علمی - پژوهشی به چشم می‌خورد (<http://sfmirghaderi.ir>).

از آثار مشترک این دو، کتاب انواع شعر عربی و سیر تطوّر آن: طرحی نو در معرفی، شرح، تدریس و تحقیق انواع شعر عربی است که در سال ۱۳۹۳ در ۴۱۵ صفحه دانشگاه تربیت مدرس آن را منتشر کرد. این کتاب، هم‌چنان‌که از عنوان آن پیداست، به دنبال انداختن طرحی نو در حوزه تحقیق، تدریس، و سیر تطوّر انواع شعر عربی است و براساس پیشینه‌ای که مؤلفان در مقدمه آورده‌اند، تألیف چنین کتابی در حوزه تطوّر شعر عربی را مسبوق به سابقه ندانسته و فضل تألیف را از آن خود دانسته‌اند. با توجه به این که کتاب موردنقد برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی تدوین شده و برای هر سه مقطع تحصیلی این رشته قابل استفاده است، بنابراین نقد و بررسی آن حائز اهمیت است. هدف جستار حاضر این است که اثر مذکور را از دو جنبه شکلی و محتوایی ارزیابی کند، زیرا «یکی از مهم‌ترین اهداف نقد، تبادل اندیشه و نیز کمک به نویسنده برای تصحیح خطاهایش است» (سلطانی ۱۳۸۸: ۴). هم‌چنین نباید از این نکته غافل شد که «نقد شایسته و منصفانه آن است که در کنار نواقص و ناروایی‌ها، نقاط قوت اثر را نیز مورد توجه قرار دهد» (سپاوشی ۱۳۹۱: ۵۸). بنابراین، تلاش خواهد شد تا با مراعات جانب انصاف نقاط ضعف و قوت این اثر بیان شود.

۱,۱ هدف پژوهش و ضرورت آن

کتاب‌های درسی به دلیل فراگیربودن در محافل دانشگاهی اهمیت خاصی دارند. بنابراین، نقد منصفانه چنین آثاری می‌تواند ضمن برطرف کردن اشتباهات احتمالی، باعث تحول و غنای

آثار علمی عرضه شده از سوی صاحب نظران حوزه های گوناگون شود. البته روشن است که نقد یک اثر علمی و تبیین نقاط ضعف و قوت آن دلیلی بر کم ارزش بودن آن اثر نیست، بلکه نقد سازنده و به دور از غرض ورزی می تواند بر غنای هر اثر بیفزاید. بر این اساس، نویسندگان جستار حاضر، با علم به این که نقد «داوری خرده گیرانه و مستدل درباره متن و در معرض داوری قرار دادن آن است» (اسلامی ۱۳۹۱: ۲۳)، به دنبال بررسی ساختاری و محتوایی کتاب مذکورند. آموزشی بودن این اثر ضرورت نقد و بررسی آن را می طلبد تا با رفع نقاط ضعف آن در چاپ های بعدی بیش از پیش بر غنای آن افزوده شود.

۲،۱ روش تحقیق و سؤالات پژوهش

محتوای کتاب ها بر اساس موضوعات آن متفاوت است، بنابراین شیوه نقد و ارزیابی آن ها به تأثیر از محتواست. روش نقد در این جستار مبتنی بر تحلیل محتواست. این شیوه از مهم ترین روش های تحقیق است که هر محققی به صورتی با آن سروکار دارد (ساروخانی ۱۳۸۳: ۱۳). این روش در زمینه درسی و آموزشی کاربرد فراوان دارد. سؤالاتی که جستار حاضر به دنبال یافتن پاسخ آن هاست بدین قرار است:

- کیفیت کتاب مورد نقد از منظر شکلی و قواعد نگارشی چگونه است؟
- آیا محتوای کتاب مذکور در راستای عنوان آن است و آیا توانسته است تحول گونه های شعر عربی را پوشش دهد؟
- آیا کتاب بر اساس ادعای مؤلفان توانسته است در این حوزه طرحی نو بیندازد؟

۳،۱ پیشینه پژوهش

تاکنون در حوزه نقد کتاب های درسی پژوهش های بسیاری انجام شده و منتقدان ده ها کتاب درسی و علمی را نقد و بررسی کرده اند، اما درباره کتاب مورد نقد در این جستار، تاجایی که نویسندگان جست و جو کرده اند، هیچ پژوهشی انجام نگرفته است.

۲. ساختار کتاب

کتاب *انواع شعر عربی و سیر تطوّر آن* یک جلدی، در قطع وزیری، و در ۴۱۵ صفحه است که دانشگاه تربیت مدرس آن را چاپ کرده است. این کتاب یک مقدمه و پنج فصل دارد. در مقدمه بر اهمیت یادگیری زبان عربی برای درک بهتر ادبیات فارسی تأکید شده است.

پیشینه پژوهش‌های مربوط بدان نیز در مقدمه بررسی شده و به نُه اثر در زمینه متون نظم و نثر عربی اشاره شده است. هدف اصلی مؤلفان از تألیف کتاب نیز آشنا کردن دانشجویان و استادان زبان و ادبیات فارسی و عموم علاقه‌مندان با انواع ادبی در زبان عربی و فارسی و شاه‌کارهای آن و معروف‌ترین شاعران و نویسندگان فارسی و عربی قدیم و جدید بیان شده است تا پس از کسب توانایی در خواندن شعر عربی به درک و فهم معانی و ظرافت‌های هنری و ادبی نایل شوند (پروینی و قادری ۱۳۹۳: مقدمه). مؤلفان حدود نیمی از فصل اول کتاب را به مباحث تئوری درباره حماسه، آثار مشهور حماسی در ادبیات ملل مختلف جهان، تقسیم‌بندی حماسه، و بررسی جلوه‌های حماسه در ادبیات عرب اختصاص داده‌اند و در بخش دوم فصل به تحلیل و بررسی نمونه‌هایی از شعر حماسی عرب پرداخته‌اند. فصل دوم به بررسی شعر تمثیلی و انواع آن اختصاص دارد. در این فصل سیر تطور شعر تمثیلی در ادب عربی، با تأکید بر ادبیات معاصر، بررسی شده و در پایان چند نمونه عینی از این اشعار تحلیل شده است. فصل سوم، که طولانی‌ترین فصل کتاب و در حدود ۱۷۰ صفحه است، به بحث درباره شعر غنایی و گونه‌های مختلف آن به شکل تطبیقی در ادبیات فارسی و عربی می‌پردازد و نمونه‌های متعددی را در قالب مثال بررسی می‌کند. بررسی نظری و عملی نمونه‌هایی از شعر حکمی و تعلیمی نیز مباحث مربوط به فصل پایانی کتاب را تشکیل می‌دهد که کوتاه‌ترین فصل است.

۳. نقد و بررسی ساختاری کتاب

اگرچه جنبه‌های شکلی و ساختاری آثار علمی-پژوهشی در جوهره و ذات آن تأثیر جدی ندارند و از عوامل تعیین‌کننده نیست، اما از آن‌جاکه شکل یک اثر به‌ویژه به‌لحاظ نشانه‌شناسی می‌تواند مورد توجه مخاطبان قرار گیرد، نمی‌توان آن را نادیده انگاشت (مقدسی ۱۳۹۶: ۲۴۲). بر این اساس، در ابتدا ساختار کتاب حاضر بررسی می‌شود و محاسن و معایب آن تحلیل می‌شود.

کتاب *انواع شعر عربی و سیر تطور آن* صحافی بسیار خوبی دارد. رنگ قهوه‌ای سوخته با پس‌زمینه ابیاتی از «حلیم دموس» جلوه خاصی به کتاب داده است. به نظر می‌رسد اگر نام مؤلفان با سایز کوچک‌تری نوشته می‌شد، بر زیبایی روی جلد افزوده می‌شد؛ چون از لحاظ اندازه با بخشی از عنوان کتاب شباهت دارد. نشان دانشگاه تربیت مدرس و نیز عبارت «سفارش تألیف» به شکل زیبایی در قسمت بالای روی جلد آمده است.

امروزه کم‌تر کتاب علمی و ادبی را می‌توان یافت که فاقد اشکالات ساختاری باشد. کتاب *انواع شعر عربی و سیر تطوّر آن* نیز از این نقیصه خالی نیست و متأسفانه اشکالات ساختاری پرشمار آن تصویری نامناسب از آن را در ذهن خواننده ترسیم می‌کند و شتاب‌زدگی در طبع کتاب به‌وضوح نمایان است. یادداشت حاضر، به‌منظور سهولت در ارائه دیدگاه‌های خود، اشکالات نگارشی اثر یادشده را ذیل عناوین زیر بررسی می‌کند.

۱,۳ اشتباهات تایپی فراوان

از لحاظ شکلی «شایع‌ترین عیبی که لازم است منتقد به آن توجه کند، فراوانی نسبی اغلاط مطبعی است که مسئولیت مشترک ناشر و صاحب اثر است» (کتاب *نقد و نقد کتاب* ۱۳۸۶: ۲۸). شاید نتوان اثری علمی را که به‌طور کلی فاقد اغلاط نگارشی باشد پیدا کرد، اما در هر حال یکی از ابعاد جامعیت آثار علمی دقت در نگارش و حروف‌چینی آن است که متأسفانه در کتاب موردنقد تا حد زیادی مغفول مانده و اشتباهات تایپی بسیاری در آن به‌چشم می‌خورد. چنین اشتباهاتی از همان صفحات آغازین توجه خواننده را به خود جلب می‌کند. در سطر ۳ از صفحه ۲ ذیل عنوان «حماسه در لغت و اصطلاح» چنین آمده است: «حَمَسَ صفت مشبّه بر وزه فَعِلَ به معنی دلیر است» که کلمه «وزن» صحیح است؛ در سطر ۱۵ صفحه ۱۷ واژه «روزنه» به اشتباه «روزن» نگاشته شده است؛ در سطر ۱۱ صفحه ۲۲ واژه «رومی‌ها» به شکل «روپها»؛ و در سطر ۱۱ صفحه ۲۳ واژه «تحلیل» به شکل «تلیل» نوشته شده است.

گاهی اشتباه نگارشی در اعلام و اسامی خاص باعث تغییر آن‌ها شده است، برای مثال: در صفحه ۴۷ اسم «متنبی»، شاعر عرب، «مبنبی» و در صفحه ۹۵ اسم کتاب «الأربع روایات من نخب التیاترات» «الأربع روایت» درج شده است. در صفحه ۱۷۳ نیز نام «قس‌بن ساعده»، خطیب مشهور عرب در دوره جاهلی، «قیس‌بن ساعده» ثبت شده است. در صفحه ۱۸۴ در شرح لغوی واژه «مدح» آن را مصدر دانسته و جمع آن را «مدحه» دانسته‌اند، در حالی که در فرهنگ‌های لغت چنین جمع‌ی وجود ندارد و به‌نظر می‌رسد «مدح» درست باشد (معجم مصطفی و دیگران ۲۰۰۴: ۸۵۸). در صفحه ۱۸۵، جنگ داحس و غبراء، که بین دو قبیله عبس و ذبیان در گرفته است، به اشتباه «عوس و ذبیان» ذکر شده است. آن‌چه اشاره شد، نمونه‌هایی از اشتباهات تایپی است که ضرورت بازنگری فوری آن را می‌طلبد.

۲,۳ عدم رعایت نکردن شیوه‌نامه فرهنگستان ادب فارسی در حروف چینی

فرهنگستان ادب فارسی در دستور خط فارسی فاصله‌گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب، را امری ضروری دانسته است که اگر رعایت نشود، باعث بدخوانی و ابهام معنایی می‌شود (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به دستور خط فارسی ۱۳۹۴: ۱۱). این اصل و بسیاری دیگر از اصول مورداشاره فرهنگستان ادب فارسی در بسیاری از صفحات کتاب رعایت نشده و کم‌تر صفحه‌ای را می‌توان یافت که همه استانداردهای فرهنگستان در آن به‌دقت رعایت شده باشد. اجرای فاصله‌گذاری میان کلمات مهم‌ترین اشکال ساختاری کتاب است و در ۹۰ درصد کلماتی که پیش‌وند یا پس‌وند دارند، قانون نیم‌فاصله رعایت نشده است که برای نشان‌دادن آن فقط به اشکالات صفحه اول کتاب اشاره می‌شود:

- واژه «طبقه‌بندی» در سطر ۲، واژه «نمایش‌نامه‌ای» در سطر ۲، و واژه «تقسیم‌بندی» در سطرهای ۷، ۸ و ۹.

گاه بین دو کلمه مستقل از هم نیز هیچ فاصله‌ای در نظر گرفته نشده و از ترکیب آن‌ها واژه دیگری پیدا شده است. در سطر ۲ از صفحه ۱ واژه «درهم» از رعایت نکردن فاصله بین «در» و «هم» ساخته شده که خواننده را به اشتباه می‌اندازد. در سطر ۶ همان صفحه نیز دو واژه «به ترتیب» به یک‌دیگر چسبیده‌اند. در سطر پایانی صفحه ۲ بین سه واژه «به نحوی که» قانون نیم‌فاصله مراعات شده است که به علت استقلال هر کدام از واژه‌ها باید یک فاصله کامل داده شود.

۳,۳ نگارش واژگان عربی با قلم نامناسب

با وجود تلاش برای نگارش واژگان عربی با قلم مخصوص، این امر در بسیاری از صفحات کتاب رعایت نشده و وحدت روش را در نگارش واژگان عربی مخدوش کرده است. برای مثال، می‌توان به «تذکره الأولیاء» در صفحه ۹، پانوش صفحه ۱۰، و «المثل السائر فی صناعة الکاتب و الشاعر» در صفحه ۱۱ اشاره کرد. کثرت نمونه‌هایی از این دست به قدری است که پرداختن به همه آن‌ها در این مقال نمی‌گنجد.

۴,۳ نارسایی ناشی از افزودن حرف زاید به برخی کلمات

اشتباهات نگارشی در برخی صفحات باعث نارسایی و پیچیدگی سخن شده است. برای نمونه در سطر ۱۰ صفحه ۱۲ چنین آمده است: «برخی اشاره به عجب بی‌اندازه عرب‌های

نسبت به ادیبانشان دارند» که زیادت حرف «ی» بعد از واژه «عرب‌ها» باعث نارسایی آن شده است. در تقسیم‌بندی انواع حماسه براساس قدمت، در توضیح حماسه‌های سنتی بعد از ذکر چند مثال، حرف واو در پایان سطر آخر صفحه به گونه‌ای آمده است که خواننده می‌پندارد ادامه مثال‌ها در صفحه بعد قرار دارد، ولی به ناگاه می‌بیند مطلب همان‌جا پایان یافته و از ابتدای صفحه بعد همان عنوان بار دیگر آمده است.

در صفحه ۸ نیز در توضیح حماسه‌های اساطیری آمده است: «قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین نوع حماسه و مربوط به دوران ماقبل تاریخ و بر مبنای اساطیر شکل گرفته است» که زیادبودن «واو» بعد از واژه «حماسه» جمله را نارسا کرده است. در صفحه ۲۱ آوردن حرف «ص» بین نام مبارک پیامبر و خدا منخل سلاست متن شده است. گاه نیز حرفی از کلام حذف شده و این امر نیز بر گنگ‌شدن مفهوم افزوده است. در همان صفحه باید در ترجمه ابیات «ابویقظان» بین دو کلمه «دین و اعلاء» حرف واو درج شود.

۵,۳ یک‌دست نبودن اندازه نگارش واژگان

اندازه نگارش واژگان در برخی صفحات کتاب کوچک‌تر از سایر صفحات آن است؛ به گونه‌ای که خواننده آن را با مطالب پانوشت صفحه پیشین خلط می‌کند. این امر از زیبایی ظاهری کتاب کاسته است. صفحات ۱۹، ۲۵، ۲۹، ۳۱، و ۴۱ نمونه‌هایی از این دست است.

۶,۳ آشفتگی در نگارش اشعار داخل کتاب

در کتاب موردنقد، به دلیل پرداختن به تطوّر انواع شعر عربی، ابیات و قصایدی به‌منظور شاهد مثال از ادوار گوناگون تاریخی ذکر شده است که بسیاری از این اشعار به شعر کلاسیک و سنتی مربوط است. آشفتگی در درج ابیات باعث آزار خواننده در قرائت اشعار می‌شود، به گونه‌ای که اگر خواننده از نام سراینده اشعار چشم‌پوشی کند، چنین می‌پندارد که با شعر نو مواجه است. بنابراین، شایسته است که اشعار و ابیات در داخل جداولی طراحی شوند تا آغاز و پایان آن‌ها یک‌دست شود، زیرا یکی از جنبه‌های زیبایی ظاهری شعر کلاسیک در نوع نگارش و حروف‌چینی آن نهفته است. از صفحه ۱۵ کتاب، که استشهاد به شعر آغاز شده است، تا پایان کتاب نمی‌توان بیتی را یافت که دچار آشفتگی در نگارش نباشد.

۷,۳ اشتباه در کتابت همزه

نحوه نگارش همزه یکی از نکات درخور توجه در کتاب موردنقد است. توجه به نوع نگارش همزه از مهم‌ترین مباحث در رسم‌الخط است. براساس دستور خط، اگر همزه بعد از حرف ساکن در وسط کلمه قرار گیرد، واجب است بر کرسی الف نگاشته شود (طریبه ۲۰۰۰: ۹۸). با این حال در اثر موردنقد، اصل یادشده مغفول واقع شده است. در نگارش اسم خاص «سموأل بن عادیا»، یکی از شعرای دوره جاهلی ادب عربی، قوانین همزه مراعات نشده و به اشتباه «سموئل بن عادیا» نگاشته شده است. در صفحات ۱۴ و ۱۵ این نکته به چشم می‌خورد.

۸,۳ آشفته‌گی در صفحه‌آرایی و عنوان‌بندی

صفحه‌آرایی شبیه به طراحی ساختمان است. گرافیکست با مشورت ویراستار و تأمل در فهرست مطالب کتاب و فصل‌بندی مشخص می‌کند که در آغاز هر فصل چه درگاه و دری بسازد تا خواننده با دیدن آن احساس کند که وارد فضای جدیدی شده است (انوری و پشت‌دار ۱۳۷۷: ۸۲).

این کتاب صفحه‌آرایی مناسبی ندارد و هم‌چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، شتاب‌زدگی در طبع کتاب کاملاً مشهود است. گاه در بیان زیرمجموعه یک عنوان مطلبی تکرار شده است. برای مثال، در صفحه ۷ در تقسیم‌بندی انواع حماسه براساس قدمت، حماسه‌های سنتی دو بار ذکر شده است. گاه شتاب‌زدگی باعث آشفته‌گی در محتوای صفحات شده است. برای مثال، در آغاز صفحه ۹ یک مطلب دوسطری آمده که معلوم نیست ادامه کدامین بحث است. به نظر می‌رسد که در تقسیم‌بندی حماسه برحسب موضوع، یکی از انواع حماسه از قلم افتاده است، زیرا بعد از شماره «ا» شماره‌های «ج، د» آمده است و خواننده اثری از عنوان شماره «ب» نمی‌یابد. آشفته‌گی در طبع کتاب دامن شماره‌گذاری صفحات آن را نیز گرفته است. به طوری‌که بعد از صفحه ۴۲ صفحه ۴۷ قرار دارد و باعث سردرگمی خواننده شده است. ضعف در صفحه‌آرایی در فاصله بین سطرها نیز نمود یافته است. در برخی صفحات فاصله بیش‌تر از حد معمول سطرها جلوه ناموزونی به کتاب داده است. در صفحات ۸۴، ۸۵، ۹۰، و ۱۸۳ نمونه‌هایی از این ناهنجاری دیده می‌شود.

۹,۳ فقدان وحدت رویه در نگارش «ی» میانجی

یکی دیگر از اشکالات ساختاری کتاب فقدان وحدت رویه در حروف چینی «ی» میانجی است و این امر از سلاست و روانی اثر کاسته است. برای مثال، در تقسیم‌بندی حماسه در صفحه ۹ کتاب این‌گونه آمده است: أ- حماسه‌ای طبیعی ب- حماسه‌ی مصنوعی. در صفحه ۴ نمونه دیگری از اشکال یادشده دیده می‌شود؛ آن‌جا که واژه «منظومه‌ی حماسی» به‌شکل «منظومه‌ای» نگاشته شده است.

۱۰,۳ نقص در منابع و مراجع کتاب

منابع و مراجع استفاده‌شده در کتاب نیز خالی از اشکال نیست که برخی از مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل است:

- مشخصات کتاب‌شناسی برخی از منابع مورداستفاده در کتاب در فهرست منابع ذکر نشده است؛ کتاب‌های بهار و *دانش‌نامه ادب فارسی* حسن انوشه از این قبیل است؛
 - برخی منابع ذکرشده در کتاب‌نامه نیز در متن کتاب عملاً، چه به‌صورت مستقیم و چه به‌صورت غیرمستقیم، استفاده نشده است؛ کتاب‌های *ایوان مدائن از دیدگاه دو شاعر فارسی و تازی* مرحوم انوار، *ترجمه اشعار سعدی فارسی* اثر مؤید شیرازی، و *دعبل شاعر امام رضا* اثر حسین چوبین از این قبیل است؛
 - تفکیک‌نشدن منابع عربی از فارسی و نیز پایان‌نامه‌ها و مجلات و کتاب‌ها از هم از دیگر اشکالات کتاب در عرضه منابع و مآخذ است. داشتن قلم متفاوت در برخی موارد نیز عامل دیگری در آشفتگی فهرست منابع است.
- آن‌چه گفته شد بخشی از اشکالات ساختاری کتاب بود که در چاپ بعدی کتاب نیازمند اصلاح و بازنگری جدی است.

۴. نقد و بررسی محتوایی کتاب

هم‌چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، نقد و بررسی محتوایی کتاب در مقایسه با ساختار و شکل آن اهمیت بیش‌تری دارد. کتاب موردنقد از لحاظ محتوایی مزایا و محاسنی دارد:

- تلفیق تاریخ ادبیات با متون و تحت‌پوشش قراردادن تقریباً همه ادوار تاریخی؛
- گشودن زمینه‌های تحقیقی و مطالعاتی تطبیقی جدید پیش‌روی پژوهش‌گران.

در کنار این نقاط قوت، برخی اشکالات محتوایی در آن دیده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها در قالب موارد ذیل قابل طرح است.

۱,۴ کلی بودن عنوان کتاب

به جرئت می‌توان گفت که انتخاب عنوان مناسب برای آثار علمی مهم‌ترین و درعین حال دشوارترین بخش کار است. باید دانست که دانشمندان و محققان باتوجه به نوع و حجم تحقیق چند ویژگی یا به عبارت دیگر چند معیار را برای انتخاب موضوع و تنظیم عنوان مناسب برای آن بیان کرده‌اند (مشکین فام ۱۳۸۶: ۲۰-۲۱). برخی از مؤلفه‌های مهم در انتخاب موضوع و عنوان اثر علمی عبارت است از جدیدبودن، مفیدبودن، محدودبودن، و وضوح و اختصار عنوان.

واقعیت این است که کتاب حاضر اگرچه از لحاظ عنوان فاقد نمونه مشابه است، اما با صرف نظر از نمونه‌های تحلیل شده در آن، بسیاری از موضوعات آن از جمله گونه‌های شعر و نیز بررسی ویژگی‌های شعر شاعران، به صورت مستقل در کتبی هم چون *النقد الأدبی الحدیث* تألیف محمد غنیمی هلال، *الآداب العربیة فی العصر العباسی الأول* نوشته عبدالمنعم خلفاچی، و *الفن و مذاهبه فی الشعر العربی* اثر شوقی ضیف، و دیگر کتب تاریخ ادبیات و نقد ادبی به چشم می‌خورد. کتاب از جنبه مفیدبودن فواید زیادی دارد که به شیوه جدید و تطبیقی گونه به بررسی گونه‌های شعری و پیش‌گامان آن در ادبیات فارسی و عربی پرداخته است، اما بسیاری از مطالب ارائه شده تحصیل حاصل است و می‌توان مشابه آن را در آثار دیگران یافت. مقوله مهمی که باید بدان پرداخته شود، مفهوم کلمه «تطور» است که در عنوان این کتاب به کار رفته است. تطور در لغت به معنای «تغییر تدریجی در ساختار جامعه، روابط و ارزش‌های حاکم بر آن است» (معجم الوسیط: ذیل ریشه «طور»). بنابراین، مؤلفان باید تحول در گونه‌های شعر عربی را در همه ادوار تاریخی آن بررسی می‌کردند. در حالی که دوره پانصدساله موسوم به انحطاط حلقه مفقوده سیر تاریخی مباحث مطرح شده است که فقط در شعر حکمی و تعلیمی بدان پرداخته شده است. از سوی دیگر، اندلس استمرار حرکت روبه‌جلوی شعر عربی در موضوعات گوناگون، از جمله موشحات و زجل، به شمار می‌رود که هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده است. موضوع دیگر تحول هجو در شعر عربی است که در کمال تعجب هیچ بحثی درباره «فن نقیضه‌گویی» در کتاب نشده است. در حالی که سه تن از شاعران نام‌دار ادبیات عرب به

نام‌های اخلط، جریر، و فرزدق پیش‌گامان این فن‌اند و نقش انکارناپذیری در تطوّر این موضوع داشته‌اند. به موضوع رثا نیز همانند هجو توجه نشده و فقط به ذکر تعریفی از رثا و تقسیم آن به خاص و عام بسنده شده است (ص ۱۷۶) و چند نمونه از قصاید مربوط به این موضوع به‌منظور تحلیل و پژوهش قید شده است، درحالی‌که فن رثا از فنون بسیار مهم در شعر عربی است و مطالعات عمیق‌تر به‌منظور بررسی زوایای پنهان آن نیاز است. از سوی دیگر، از «خنساء»، که مادر رثاگویان عرب است، هیچ نامی به‌میان نیامده و این اجحاف در حق اوست که کتابی که به‌دنبال سیر تطوّر موضوعات شعری است، به‌سادگی از نام او بگذرد.

به‌نظر می‌رسد که به‌رغم توفیق نسبی نویسندگان در ارائه شیوه‌ای نوین، بررسی سیر تحول انواع شعر عربی با اشکالات و نقایص عدیده‌ای همراه است.

۲,۴ تضاد در بحث از حماسه

مؤلفان در بررسی «دیدگاه‌های مربوط به چیستی و چگونگی شعر حماسه در ادب عربی» دچار تضاد شده‌اند. این که در ادبیات عرب اثر حماسی در حد *شاهنامه‌ی فارسی، ایللیاد و ادیسه‌ی یونان، و انه اید روم* باستان نیست، تقریباً مورد اجماع صاحب‌نظران از جمله بزرگانی هم‌چون ابن‌اثیر و طه‌حسین است. جالب این‌جاست که نویسندگان محترم در رد وجود حماسه در ادبیات عرب ادله‌های منطقی گوناگونی هم‌چون «محدودیت تقریبی شعر عربی در قالب قصیده، شرایط دینی و مذهبی اعراب، عُجب و خودخواهی اعراب و عدم تمایل به تقلید از ملل دیگر و فردگرایی در شعر عرب» (ص ۱۲) را بیان کرده‌اند، اما در کمال شگفتی، آن‌جا که به بیان حماسه‌های معروف در ادبیات ملل گوناگون جهان پرداخته‌اند، کتاب *الحماسه* بحتری و ابوتمام از شاعران دوره‌ی عباسی را نیز از آثار حماسی تلقی کرده و در کنار آثار حماسی مشهور جهان از جمله *مهابرات، رامایان، ایللیاد و ادیسه، انه اید، و شاهنامه* قرار داده‌اند. نکته‌ی درخور تأمل این‌که در ادبیات عربی، کتابی نیست که بتوان آن را حماسی دانست. بنابراین، صرف این‌که کتابی نامش حماسه باشد و بخشی از اشعار آن از شجاعت، جوان‌مردی، و نبرد بحث کند، نمی‌تواند در زمره آثار حماسی جهان قرار بگیرد. حماسه ویژگی‌های خاص خود را دارد و این در شعر عرب دیده نشده است.

۳,۴ فقدان تسلسل منطقی بین برخی مطالب

یکی از معیارهای ارزش‌گذاری آثار علمی تسلسل منطقی بین اجزای آن است. بدین معنا که اگر نویسنده از موضوعی بحث می‌کند، سخنانش در ارتباط با همان موضوع باشد. با وجود تلاش فراوان مؤلفان، از این امر در بسیاری از مباحث کتاب غفلت شده است. برای مثال، در مبحث انواع وصف در ادب عربی (ص ۱۶۰)، ضمن طرح دیدگاه‌های ایلیا الحاوی، به‌ناگاه ذیل بحث «الوصف المادى»، زندگی‌نامه سربى رفاء به‌نقل از تاریخ ادبیات حنا الفاخوری آمده و هیچ اشاره‌ای به این‌که شعر وصف او از کدامین گونه است، نشده است.

هم‌چنین در بحث «نمایش‌نامه در ادبیات جدید عربی از قرن نوزدهم تاکنون» آمده است:

در دروه جدید، پس از حمله ناپلئون به مصر و گسترش ارتباط با غرب، نمایش‌نامه به سبک امروزی برای نخستین‌بار توسط مارون النقاش لبنانی (۱۸۵۵-۱۸۱۷) وارد سرزمین‌های عربی شد. او اولین نمایش‌نامه خود را باعنوان البخیل که نمایش‌نامه شعری بوده است، در سال ۱۸۴۸ در بیروت اجرا نمود. بنابراین، سوریه در میان کشورهای عربی در این زمینه پیش‌گام به‌شمار می‌رود (پروینی و میرقادری ۱۳۹۳: ۹۵).

ملاحظه می‌شود که در عبارات یادشده ظهور نمایش‌نامه به زمان حمله ناپلئون به مصر مرتبط شده و سلیم النقاش لبنانی اولین واردکننده نمایش‌نامه به سبک امروزی به جهان عرب دانسته و معرفی شده است، درحالی‌که در نتیجه‌گیری از مطلب سوریه پیش‌گام این عرصه معرفی شده است که به‌نظر می‌رسد لبنان صحیح باشد.

در صفحه ۱۶۸ کتاب به اختلاف‌نظر پژوهش‌گران درباره حقیقی یا مجازی بودن معشوق در شعر حافظ اشاره شده، اما شاهد شعری از غزلیات مولانا نقل شده است.

در تحلیل نمونه‌هایی از شعر غزل در ادب عربی از سیر تاریخی صاحبان قصاید در نمونه‌های ارائه‌شده غفلت شده است؛ به‌گونه‌ای که در ابتدا نمونه‌ای از شعر ابن‌فارض شرح شده، سپس نمونه‌ای از غزل‌های قیس‌بن ملوّح ذکر شده است که از نظر تاریخی از ابن‌فارض جلوتر است. به‌نظر می‌رسد که اگر در ارائه نمونه‌ها نیز سیر تاریخی رعایت شود، بر غنای کتاب افزوده خواهد شد.

۴,۴ فقدان انسجام در کتاب از منظر روش تحقیق

در کتابت هر اثر علمی و پژوهشی به‌ویژه کتاب و مقاله باید ساختارهای تحقیق به‌دقت رعایت شود. در کتاب حاضر، سیر منطقی نگارش چنین اقتضا می‌کند که نویسندگان ذیل

عنوان «تعریف و خصایص حماسه» ابتدا به تعریف حماسه بپردازد و آن‌گاه به بیان خصایص و ویژگی‌های آن اقدام کنند. در حالی که در عمل عکس این قضیه اتفاق افتاده و نخست ویژگی‌های حماسه ذکر شده و در ادامه به تعریف حماسه اشاره شده است (همان: ۴).

در پایان بخش «نشانه‌های شعر حماسی در عصر جاهلی»، پس از بحث درباره حماسه در شعر جاهلی، این وعده به خواننده داده شده است که در بخش تحلیل نمونه‌ها در عمل با چستی و چگونگی شعر حماسی در عصر جاهلی آشنا خواهد شد (همان: ۱۸). اما در بخش تحلیل و شرح نمونه‌های شعر حماسی دوره جاهلیت، به این وعده وفا نشده و فقط مباحثی هم‌چون زندگی‌نامه شاعران، مناسبت قصیده و شرح لغوی، و گاه ترجمه برخی ابیات ذکر شده و هیچ تحلیلی درباره چستی و چگونگی حماسه ارائه نشده است. این مسئله در فصل‌های بعدی کتاب نیز خودنمایی می‌کند و غیر از پرداختن به شرح حال شاعر و ذکر مناسبت قصیده، هیچ تحلیلی که ماهیت و چستی موضوع مورد مناقشه را نشان دهد، ارائه نشده است (همان: ۱۹۱-۱۹۳).

در بخش مربوط به «شعر غنای غزل در ادب عربی» تلاش می‌شود تا سیر تطوّر غزل به تصویر کشیده شود، اما فقدان انسجام در کتاب باعث بروز برخی اشتباهات ناخواسته شده است. برای مثال، در صفحه ۱۶۹ پس از بحث درباره غزل صریح در دوره جاهلی، به ذکر معروف‌ترین اصحاب غزل در این دوره پرداخته شده است که در کمال تعجب نام برخی شعرای دوره اموی از جمله «عمر بن ابی‌ریبعه، عبدالله العرجی، عبدالله بن قیس الرقیات، احوص» ذکر نشده است. چنین اشتباهاتی ممکن است برای تحصیل‌کرده زبان عربی سهوی تلقی شود، اما دانشجویان و تحصیل‌کرده‌های ادبیات فارسی هرگز متوجه سهوی بودن این اشتباه نخواهند شد.

در صفحه ۱۸۶ شعر مدح غنایی بر اساس ادوار تاریخی تبیین شده است، اما انسجام لازم در مباحث ملاحظه نمی‌شود، زیرا در شرح مدح غنایی در دوره عباسی به‌ناگاه بحث از مدح غنایی در صدر اسلام مطرح شده است. به‌گونه‌ای که خواننده زود متوجه می‌شود که گفته مؤلفان از منظر معنوی هیچ‌گونه ارتباطی با عبارات پیش از خود ندارد. از سوی دیگر، کتاب به دنبال بررسی سیر تطوّر انواع شعر در ادب عربی است، اما در بسیاری از موضوعات و اغراض شعری عصر عباسی آخرین ایستگاه مباحث است و به ادوار تاریخی بعد از آن اشاره‌ای نشده است (همان: ۱۸۷-۱۸۸). در مقوله حبسیات فقط به چند بیت از ابوفراس حمدانی بسنده شده و گویی پیش از دوره عباسی و بعد از آن این موضوع جایگاهی در شعر عربی نداشته است (همان: ۱۹۰).

۵,۴ استفاده از منابع ضعیف و دست‌دوم

یکی از معیارهای مهم در ارزیابی کتاب‌های درسی بررسی منابع آن است و از همین‌روست که از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که نویسندگان آثار علمی پس از انتخاب موضوع خود انجام می‌دهند، جست‌وجو در منابع و مراجع مختلف برای جمع‌آوری معلومات لازم درمورد موضوع است (دل‌اور ۱۳۸۵: ۳۷-۳۸). یکی از نکاتی که باعث غنای هر اثر پژوهشی است، بهره‌گیری از منابع دست‌اول و مشهور مربوط به موضوع است. یکی از محاسن این اثر کثرت منابع آن است، به‌گونه‌ای که در حدود ۱۹۰ منبع در نگارش کتاب استفاده شده است. با این حال، در برخی موارد مراجعه نکردن به منابع دست‌اول و اکتفا به منابع دست‌دوم آفت این اثر شده است. برای مثال، در صفحه ۱۶۹، در شرح اجزای قصیده جاهلی به کتاب *المعجم المفصل فی اللغة و الأدب*، تألیف امیل بدیع یعقوب، استناد شده است، در حالی که در این زمینه آثار بسیار غنی و مشهوری از نویسندگان نام‌دار عرب از جمله شوقی ضیف، مصطفی هداره، و طه حسین در دست است که ارجاع به آن‌ها بر غنای اثر می‌افزود.

نکته دیگر، وقتی در یک اثر علمی و ادبی درباره‌ی واژه‌ای از منظر لغوی بحث می‌شود، شایسته است به کتاب‌های فرهنگ لغت معتبر در آن زبان مراجعه شود. از این مسئله نیز در کتاب حاضر غفلت شده و در چند مورد به کتاب‌های دیگر غیر از لغت‌نامه‌ها ارجاع داده شده است. نمونه این امر را می‌توان در صفحه ۱۷۸ در بحث لغوی واژه «هجو» ملاحظه کرد.

گاه در نقل اشعار برخی شاعران فارسی، با وجود این که دواوین شاعران در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد، به منابع دیگری ارجاع داده شده است. این مسئله در صفحه ۱۸۲ در نقل اشعار انوری ابیوردی به چشم می‌خورد که به یکی از آثار شفيعی کدکنی ارجاع داده شده است.

در برخی موارد، هم‌زمان که به یک منبع عربی ارجاع داده می‌شود، به ترجمه آن نیز ارجاع داده شده است. این امر به این شائبه دامن می‌زند که چندین نویسنده در کتابت اثر نقش آفرینی کرده‌اند. کتاب *الأدب المقارن محمد غنیمی هلال* نمونه‌ای از این آثار است که در صفحه ۱۰ به نسخه عربی آن و در صفحه ۷۱ به نسخه ترجمه‌شده فارسی آن ارجاع داده شده است. در برخی موارد نیز هم‌چون صفحات ۳۰، ۸۲ و ۹۳ به برخی پایان‌نامه‌های دانشجویی ارجاع داده شده که جای بسی تأمل است.

۶,۴ کثرت نقل قول‌های متوالی

یکی از اشکالات اساسی در پژوهش علمی و ادبی کثرت نقل قول‌های متوالی است. چهره زشت چنین نقصی زمانی بیش‌تر خودنمایی می‌کند که نقل قول‌های متوالی از یک اثر و یک نویسنده باشد. در اثر مورد بحث، از بند آخر صفحه ۱۷۴ تا صفحه ۱۷۵ سه نقل قول مستقیم به شکل متوالی از شفیع کدکنی آمده است، بدون آن‌که در بین آن‌ها اظهار نظری از نویسندگان ارائه شده باشد. همین امر در صفحه ۱۷۶ نیز اتفاق افتاده است. جالب است که در صفحات ۱۷۷ و ۱۷۸ پنج نقل قول را به شکل متوالی از نویسنده دیگری ذکر کرده‌اند و این امر باز در دو صفحه بعدی به چشم می‌خورد. به طوری که از صفحه ۱۷۴ تا صفحه ۱۸۰ کل مطالبی که از آن مؤلفان است، به بیش از سه سطر نمی‌رسد. این شکل از ارائه مباحث، کتاب را از شکل پژوهشی بدیع و طرحی نو، آن گونه که از عنوان آن پیداست، خارج کرده و به یک گزارش علمی ساده تنزل داده است.

۷,۴ ترجمه نکردن بسیاری از شواهد شعری

مؤلفان کتاب مورد نقد یکی از اهداف خود را «آشنا کردن دانشجویان و استادان رشته زبان و ادبیات فارسی و عموم علاقه‌مندان با انواع ادبی در زبان عربی و فارسی و شاه‌کارهای آن و معروف‌ترین شاعران و نویسندگان فارسی و عربی قدیم و جدید و کسب توانایی در خواندن و درک و فهم معانی شعر عربی و ظرافت‌های هنری و ادبی آن» بیان کرده‌اند (پروینی و میرقادری ۱۳۹۳: مقدمه). لازمه دست‌یابی به بخشی از این اهداف ترجمه اشعار و ابیات عربی کتاب است که متأسفانه از این امر غفلت شده است. با رجوع به ابیات و اشعار صفحات ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲ و بسیاری دیگر از صفحات کتاب، که ذکر همه آن‌ها ملال‌آور خواهد بود، نمونه‌های متعدد این کمبود درخور ملاحظه است. ابیات انگشت‌شمار ترجمه شده هم اگر در پانوشت کتاب درج می‌شد یا دست کم با قلمی متفاوت در متن می‌آمد، شاید بر زیبایی و جلوه بصری کتاب می‌افزود. مسئله دیگر عدم اعراب‌گذاری اغلب ابیات و اشعار است. از آن‌جا که کتاب حاضر برای دانشجویان زبان فارسی نیز در نظر گرفته شده است، اعراب‌گذاری نکردن اشعار می‌تواند خواندن متن را برای این گروه از مخاطبان دشوار کند. بنابراین، انتظار می‌رود در چاپ‌های بعدی کتاب این مشکل حتماً برطرف شود.

۸,۴ ذکر القاب علمی

بسیاری از صاحب‌نظران حوزه روش تحقیق با ذکر القاب علمی نظیر استاد و دکتر در آثار علمی و ادبی مخالف‌اند، زیرا این کار را نشانه احترام نمی‌دانند، بلکه آن را به‌نوعی مبین غلبه رویکرد ارزش‌داوری بر ذهن و روان پژوهش‌گر قلمداد می‌کنند (گرجی و رضی ۱۳۹۵: ۳۲). در اثر یادشده، در موارد متعددی، به القاب علمی صاحبان آثار اشاره شده است. برای مثال، ذیل بحث انواع حماسه آمده است: «دکتر سیروس شمیسا در کتاب/انواع ادبی، حماسه را به اعتبارهای مختلف از قبیل قدمت و موضوع قابل تقسیم دانسته‌اند» (پروینی و میرقادری ۱۳۹۳: ۷). همین موضوع در صفحات ۱۶ و ۱۵۹ نیز تکرار شده و لقب دکتر و استاد به‌ترتیب برای طه حسین و شفیعی کدکنی ذکر شده است.

۹,۴ ضعف در ارجاع‌دهی

یکی از اشکالات محتوایی کتاب حاضر ضعف در ارجاعات است. اشکال مذکور از چند جنبه بررسی می‌شود.

۱,۹,۴ ارجاع‌ندادن برخی نقل‌قول‌ها

در برخی موارد از ارجاع نقل‌قول به منابع مأخوذ خودداری شده که این با امانت‌داری در تعارض است. برای مثال در بحث لغوی واژه «حماسه» به برخی معانی لغوی واژه مذکور در کتب لغت اشاره شده است، بدون آن‌که به فرهنگ لغتی ارجاع داده شود (همان: ۲). همین امر درباره واژه «غنا» نیز اتفاق افتاده و مرجعی که معنای واژه مذکور از آن گرفته شده مشخص نشده است (همان: ۱۴۹). گاه مطالبی با عباراتی هم‌چون «برخی معتقدند، عده‌ای بر این باورند» ارائه شده است که مصداق واضح ارجاع‌ندادن است. برای مثال در صفحه ۹۳ در ریشه‌یابی علل ترجمه‌نشدن نمایش‌نامه‌های یونانی به زبان عربی آمده است: «عده‌ای بر این باورند که اعتقادات اسلامی مانع از ترجمه نمایش‌نامه‌های اولیه یونانی و در نتیجه عدم ظهور ادب نمایشی در سرزمین‌های عربی شد»، درحالی‌که هیچ اشاره‌ای به این‌که این عده چه کسانی‌اند و این مطلب در کدام منبع آمده نشده است؛ به‌طوری‌که شائبه رعایت نکردن شرط امانت‌داری در نقل یا نادیده‌گرفتن اصول روش تحقیق برای خواننده پیش می‌آید. در صفحه ۹۴، دیدگاه منتسب به «عده‌ای» رد و موضع‌گیری توفیق‌الحکیم به‌شکل نقل‌قول مستقیم بیان شده است، اما منبعی برای مطلب قید نشده است. در صفحه ۱۶۳ درباره نشئت

غزل همین رویه اخذ شده و آمده است: «برخی محققین غزل را برخاسته از ترانه‌های عامیانه و برخی دیگر آن را برگرفته از تشبیب یا نسیب قصاید عربی می‌دانند». در حالی که نیازمندی این مطلب به مأخذ پوشیده نیست. در صفحه ۱۸۰ در بحث درباره خاستگاه و منشأ هجو همین رویه تکرار شده و دیدگاه عده‌ای بی‌نام‌ونشان بدون هیچ ارجاعی طرح شده است. در صفحه ۳۳۰ نیز تقسیم‌بندی گونه‌های شعر تعلیمی فاقد ارجاع است. هم‌چنین، در صفحه ۳۳۹ ذیل عنوان «نقش شعر تعلیمی در آموزش علوم مختلف عربی» بحث از ابن خلدون و دیدگاه او در مخالفت با شعر تعلیمی بدون هیچ ارجاعی ارائه شده است.

۲,۹,۴ اشاره به نام مرجع و پرهیز از ذکر مشخصات آن

در مواردی مطالبی از یک منبع با ذکر نام آن ارائه شده، اما در پانویست کتاب هیچ اشاره‌ای به مشخصات مأخذ نشده است که این امر خلاف اصول حرفه‌ای تحقیق است و این شبهه را پیش می‌آورد که مؤلفان بدون مراجعه به منبع اصلی مطلب را از جایی دیگر اخذ کرده‌اند. برای مثال، در صفحه ۱۵۴ کتاب آمده است: «در کتاب اصطلاحات ادبی، تألیف کادن، شعر غنایی یونان یکی از برترین گونه‌های غنایی جهان شناخته شده...» که در پانویست هیچ‌گونه ارجاعی داده نشده است. همین موضوع در صفحه ۶۸ نیز خودنمایی می‌کند و تعریف نمایش‌نامه، بدون اشاره به مأخذ مطلب، از کتاب *معجم المصطلحات الدرامیة والمسرحیة* نقل شده است. هم‌چنین، در صفحه ۷۳ به مقوله وحدت‌های سه‌گانه ارسطو در کتاب *فن الشعر* اشاره شده و تقریباً کل صفحه به آن اختصاص یافته است، اما به کتاب *فن الشعر* یا هیچ منبع دیگری ارجاع داده نشده است.

در صفحه ۱۷۴ جمله‌ای در قالب نقل قول مستقیم از رابعه العدویة آمده، اما به منبع آن اشاره نشده است و در صفحه ۱۷۵ سخنی به «تقی پورنامداریان» نسبت داده شده، اما منبع آن ذکر نشده است.

۳,۹,۴ مشخص نبودن حدود نقل قول مستقیم

در برخی موارد نقل قول‌هایی به شکل مستقیم آمده، اما حدود آن برای خواننده مشخص نشده است. گاه نیز چندین نقل قول مستقیم به صورت متوالی آمده و حضور مؤلفان را در متن بسیار کم‌رنگ کرده است. شاهد این مدعا نقل قول‌های صفحات ۸۲ و ۸۳ است که از کتاب *نمایش در ایران* بهرام بیضایی اخذ شده است.

۵. نتیجه‌گیری

پس از بررسی کتاب *انواع شعر عربی و سیر تطوّر آن* از منظر ساختاری و محتوایی نتایج ذیل حاصل شد:

- کتاب از جنبه برخی مؤلفه‌های شکلی از جمله طرح روی جلد و فصل‌بندی تحسین‌شدنی است، اما اشتباهات تایپی بسیار و صفحه‌آرایی ضعیف از اشکالات اساسی آن است؛

- از لحاظ محتوایی نیز اشکالات عدیده‌ای از جمله فقدان انسجام در برخی مباحث، تسلسل منطقی نداشتن مطالب، بررسی نکردن سیر تطوّر موضوعات در برخی ادوار تاریخی از جمله دوره اندلس و انحطاط، استفاده از برخی منابع دست‌دوم و رجوع نکردن به منابع دست‌اول به چشم می‌خورد؛

- این کتاب از منظر شیوه پردازش موضوع سبک جدیدی ارائه نکرده، اما به دلیل ضعف در برخی تحلیل‌ها و اختصار در برخی موضوعات، از جمله هجو، نتوانسته آن‌گونه که شایسته است تحولات شعر عربی را بررسی کند.

برای ارتقای سطح علمی کتاب پیشنهاد می‌شود:

- اشکالات شکلی و ساختاری آن از جمله اغلاط تایپی، قلم نامناسب نگارش، و صفحه‌آرایی اصلاح شود؛

- وقتی در عنوان کتابی واژه تطوّر، به معنای بررسی سیر تحول به کار می‌رود، باید همه زوایای موضوع مورد مناقشه در همه ادوار تاریخی بررسی شود. در این کتاب، دوره انحطاط و اندلس حلقه مفقود سیر تاریخی مباحث مطرح شده است که پیش‌نهاد می‌شود در چاپ‌های بعدی بازبینی شود؛

- در برخی از مباحث نویسندگان به منابع ضعیف و درجه دوم استناد کرده‌اند، پیش‌نهاد می‌شود برای غنای بیشتر کتاب به آثار نویسندگان مشهور مراجعه شود.

کتاب‌نامه

ابراهیم مصطفی، احمد حسن الزیات، حامد عبدالقادر، و محمد علی النجار (۲۰۰۴)، *معجم الوسیط، الإدارة العامة للمعجمات وإحياء التراث، مكتبة الشروق الدولية.*

اسلامی، محسن (۱۳۹۱)، «از مبانی نظری تا گام‌های عملی نقد کتاب»، *ماه‌نامه جهان کتاب*، س ۱۷،

انوری، حسن و علی پشت‌دار (۱۳۷۷)، *آیین نگارش و ویرایش (۲)*، تهران: دانشگاه پیام نور.
پروینی، خلیل و سیدفضل‌الله میرقادری (۱۳۹۳)، *انواع شعر عربی و سیر تطوّر آن*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

دستور خط فارسی (۱۳۹۴)، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: کاوا.
دلاور، علی (۱۳۸۵)، *روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: پیام نور.
ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۸)، «راه‌کارهایی برای سودمندسازی نقد کتاب»، *آینه پژوهش*، س ۲۰، ش ۱، پیاپی ۱۱۵.

سیاوشی، صابره (۱۳۹۱)، «بررسی و نقد ترجمه کتاب *تاریخ ادبیات عربی*»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۱۲، ش ۲.

طریه، أدما (۲۰۰۰)، *معجم الهمزة*، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.

کتاب نقد و نقد کتاب (۱۳۸۶)، به‌اهتمام مؤسسه خانه کتاب، تهران: خانه کتاب.

گرچی، مصطفی و احمد رضی (۱۳۹۵)، *روش تحقیق در زبان و ادبیات فارسی برای دانشجویان کارشناسی ارشد*، تهران: دانشگاه پیام نور.

مقدسی، ابوالحسن، عبدالوحید نویدی، و موسی بیات (۱۳۹۶)، «معرفی و نقد و بررسی کتاب *نصوص من الأدب الأندلسی*»، *مجله علمی پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ش ۴۳.

